(مقالۀ پژوهشی)

تحلیل رابطه هوش اخلاقی با سلامت روان معلمان مدارس

دکتراسد حجازی *، **مهری غنی‌زاده**
گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
(تاریخ دریافت:96/8/7، تاریخ پذیرش:96/12/1) (چاپ فوری)

چکیده

زمینه: وجود اخلاق در معلمان بستر رشد و تعالی آموزش‌وپرورش است. هدف این پژوهش بررسی رابطه هوش اخلاقی با سلامت روان معلمان می‌باشد.

روش: روش تحقیق توصیفی– همبستگی است. جامعه آماری شامل7241 نفر از معلمان مدارس دولتی متوسطه دخترانه شهر تهران بوده که از این تعداد 547 نفر به‌عنوان نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی، با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد هوش اخلاقی و سلامت روان مورد مطالعه قرار گرفتند. پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب (0/89، 0/80) محاسبه شد. به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها آزمون شاپیرو- ویلک، آزمون فریدمن، و مدل سازی معادلات ساختاری از طریق نرم افزار SPSS و Smart PLS انجام پذیرفت.

یافته‌ها: بین هوش اخلاقی و سلامت روان معلمان در سطح r = 0/01 رابطه معنادار وجود دارد. به این معنی که معلمان با هوش اخلاقی بالا از سلامت روان بهتری برخوردارند. از بین مؤلفه‌های هوش اخلاقی درستکاری بیشترین رابطه را با سلامت روان دارد. براساس آزمون فریدمن، بخشش با میانگین رتبه (4/14)، بالاترین و دلسوزی با میانگین رتبه (2/05) دارای کمترین امتیاز است. و مدل از برازندگی قابل قبول برخوردار است.

نتیجه‌گیری: با توجه به تأثیر معنادار هوش اخلاقی بر سلامت روان معلمان، توجه شود که آمادگی اخلاقی معلمان نیازمند تعلیم و تربیت کافی است. درستکاری نقش مهمتری در افزایش سلامت روان داشته است؛ معلمان بایستی بین باورها و اعمال خود هماهنگی ایجاد نمایند. همچنین در تدوین برنامه‌های آموزش و پرورش بر قابلیت‌های هوش اخلاقی به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر سلامت روان معلمان توجه شود.

***کلید واژگان**: هوش اخلاقی، سلامت روان، معلمان مدارس متوسطه*

سرآغاز

توجه روزافزون بشر در قرن حاضر به تغییر سبک زندگی خود و بهبود آن، در جهت افزایش رفاه، امید به زندگی، و حفظ و تداوم سلامت جسمانی و روانی، منجر به شکل‌گیری نگاهی کاوشگرانه برای یافتن عواملی شده که با تکیه‌بر آنها بتوان این مسیر را بهتر و سریع‌تر طی کرد. این دیدگاه کاوشگرانه، بی‌نتیجه نمانده و با پیش رو قرار دادن عواملی مختلف، افق روشنی را پیش روی بشر قرار داده است. از میان این عوامل، اخلاق[1] جایگاه خاصی داشته و نقش به‌سزایی در بهبود زندگی انسان‌ها و سلامت آنها ایفا کرده است همچنین بنابر آموزه‌های دین اسلام؛ اخلاق، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد آرامش است؛ چراکه با رعایت اصول اخلاقی احساس شادی به انسان دست داده و باعث نشاط و سلامت روانی می‌شود. تا آنجا که در آیاتی بیان شده؛ «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (سوره انفال) اخلاق پسندیده با زدودن کینه‌ها و جذب قلب‌ها، زمینه روابط اجتماعی مناسب و آرامش را فراهم می آورد. همچنین در احادیثی آمده است که؛ «هر کس اخلاقش نیکو باشد، راه های زندگی برایش هموار می‌شود (1).

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: azer1383 @ yahoo.com

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.6.0]

سلامت روان، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های یک زندگی سالم است که عوامل بی‌شماری در شکل‌بندی صحیح یا ناسالم آن دخیل هستند، این مفهوم در پی آن است تا از احساسات منفی نظیر استرس، افسردگی، نارسا کنش‌وری اجتماعی، اضطراب، و بروز نشانه‌های مرضی در افراد پیشگیری به عمل آورد. مفهوم مورد بحث دیگر پژوهش حاضر، هوش اخلاقی است، رعایت نشدن برخی معیارهای اخلاقی و فاصله بین وضعیت موجود و مطلوب اخلاق حرفه‌ای در بخش‌های دولتی نگرانی‌های به وجود آورده است. بدین رو، پژوهشگران در جستجوی مبناهای نظری در این رابطه بوده تا بتوانند مسیر اجرایی مناسب و راهکارهای لازم را فراهم آورند (2 و 3). بر این‌اساس، به‌موازات بررسی رابطه بین اخلاق و سلامت جسمانی و روانی، پژوهشگران درصدد برآمدند تا مفاهیم جدید مرتبط بااخلاق را تعریف و مؤلفه‌های آنها تبیین نمایند. یکی از مفاهیمی که درنتیجه توجه پژوهشگران به این حوزه مطالعاتی مطرح گردیده است، مفهوم هوش اخلاقی[2] است؛ نخستین بار اصطلاح هوش اخلاقی توسط پژوهشگری در روانشناسی معرفی شد. وی هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند (4).

هوش اخلاقی به معنی توجه به زندگی انسان و طبیعت، رفاه اقتصادی و اجتماعی، ارتباطات باز و صادقانه و حقوق شهروندی است (5). هوش اخلاقی به این حقیقت اشاره دارد که انسان به طور ذاتی، اخلاقی یا غیراخلاقی متولد نمی‌شود؛ بلکه باد می گیرد که چگونه خوب باشد، یادگیری برای خوب بودن شامل ارتباطات، بازخورد، جامعه‌پذیری و آموزش است (6).

هوش اخلاقی معلمان به توانایی هایی اشاره می‌کند که بر رفتار شخصی و حرفه‌ای معلمان اثرگذار است و وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی آنها را به‌صورت فردی در جامعه و حرفه خودشان مشخص می‌کند (7).

برخی محققان، هوش اخلاقی را توانایی تشخیص درست از نادرست می‌دانند که با اصول جهانی سازگار است. این هوش، در محیط جهانی مدرن کنونی می تواند به مثابه نوعی جهت‌یاب برای اقدامات عمل نماید؛ به‌عبارت‌دیگر این هوش تمام انواع دیگر هوش انسان را در جهت انجام کارهای ارزشمند هدایت می کند (8). هوش اخلاقی با احساسات و عقل گره‌خورده است و رفتارهای اخلاقی به احساسات یکپارچه، شهود و استدلال وابسته است. افراد باهوش اخلاقی بالا کار درست انجام می‌دهند. اعمال آنها پیوسته باارزش‌ها و عقایدشان هماهنگ است، عملکرد بالایی دارند همیشه کارها را با اصول اخلاقی پیوند می‌دهند (9).

برخی از صاحب نظران هوش اخلاقی را به‌عنوان مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ذهنی می‌داند که مبتنی بر جنبه‌های غیرمادی و متعالی هستی از قبیل شناخت خویشتن، تفکر وجودی عمیق و گسترش معنا است (10 و 11). در نظر برخی دیگر از صاحب نظران هوش اخلاقی را توانایی تشخیص درست از اشتباه می‌دانند که با اصول جهانی سازگار هست. این پژوهشگران چهاراصل را برای هوش اخلاقی پیشنهاد می کنند؛ درستکاری[3]، مسئولیت‌پذیری[4]، دلسوزی[5]، و بخشش[6] (10).

به‌طورکلی هوش اخلاقی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و منابع معنوی هست که استفاده از آنها در زندگی شخصی وزندگی کاری روزمره می‌تواند موجب افزایش سازگاری و انطباق‌پذیری و توانایی حل مسئله، یافتن معنا و هدف در رویدادهای زندگی، حفظ سلامت، آرامش درونی و بیرونی، پویایی و شادابی می‌شود (11).

یکی از حوزه‌های بسیار مهم سلامت عمومی[7]، سلامت روانی[8] می باشد. به اعتقاد روانشناسان؛ سلامت روانی و جسمی، نیاز و خواسته‌ی همه انسان ها است و همه‌ی ما تلاش می کنیم که برای برقراری ارتباطات سالم، شخصیت های سالمی در زندگی انسانی پیدا کنیم. اهمیت سلامت روانی و هوش اخلاقی و معنویت باعث شده است که برخی محققان اخیراً بهداشت را شامل ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی بداند (11). در راستای این جهت‌گیری معنوی و به‌موازات بررسی رابطه دین و معنویت و دیگر مؤلفه‌های روان‌شناختی مثل سلامت روان، گروهی درصدد تعریف مفاهیمی جدید در ارتباط با دین و معنویت شده‌اند. (12و 13).

برخی محققان و صاحبنظران سلامت روانی را عبارت از قابلیت فرد در برقراری ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران می‌داند.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.6.0]

هم‌چنین برخی دیگر، سلامت روان را داشتن اهداف مشخص، روابط خانوادگی و اجتماعی مطلوب، کمک به همنوعان و کنترل عواطف و احساسات خود می‌دانند. الگوی یکی از محققان از شخصیت سالم و سلامت روان؛ انسانی است بسیار کارآمد و با احساس آزادی و خلاقیت و آفرینندگی[9] است (14).

در رابطه با تأثیر هوش اخلاقی بر وضعیت سلامت روان افراد مظالعاتی صورت گرفته که از آن جمله برخی محققان نشان دادند، اخلاق بر توانایی‌ها و ویژگی‌هایی مبتنی است که پیامدها و نتایج باارزشی را ارائه می‌دهد (15). پژوهش‌های دیگر محققان نیز بیانگر ارتباط بین این پیامدها با اهداف زندگی، رضایت از زندگی، سلامت و رفاه می‌باشد (13-16). در این راستا برخی محققان، بیان می‌دارند که بین اخلاق و معنویت با سلامت روانی، افزایش اعتمادبه‌نفس[10]، کاهش استرس، سازگاری شخصی و شغلی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد (10).

همچنین برخی محققان معتقدند، از میان متغیرهای پیش‌بین ابعاد هوش اخلاقی (درستکاری و مسئولیت خدمت به دیگران) به‌صورت مثبت و معنادار قادر به‌پیش‌بینی سلامت‌روان است (17-19).

نتایج برخی پژوهش‌ها نیز نشان داد؛ بین هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن باعزت نفس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین در بررسی شاخص‌های برازش مدل[11] مشخص گردید مدل مفهومی پژوهش از برازندگی قابل قبولی برخوردار است. نتایج این جستار بر لزوم توجه بیشتر بر ایجاد، اکتساب و نگهداری قابلیت‌های اخلاقی در سازمان‌ها به‌عنوان یک سرمایه ارزشمند اجتماعی[12] دارد (20).

نتایج برخی پژوهش‌ها بیانگر آن است که؛ بین هوش اخلاقی و همه مؤلفه‌های آن به‌جز مؤلفه بخشش با عملکرد حسابرسان رابطه معنی‌داری وجود دارد، همچنین بعد مسئولیت‌پذیری از هوش اخلاقی اهمیت بیشتری برای فعالیت حرفه‌ای[13] حسابرسی دارد (9).

نتایج تحقیق برخی محققان و صاحبنظران نیز حاکی از این بود که اخلاق حرفه‌ای مدیران آموزشی بالاتر از حد متوسط ارزیابی می شود. اما نتایج تحقیق محققی دیگر نشان داد؛ بین وضعیت موجود اخلاق حرفه ای و وضعیت مطلوب آن فاصله وجود دارد لذا رعایت اخلاق حرفه‌ای مدیران آموزشی[14] را در سازمان‌ها امری لازم و ضروری می‌دانند (3).

در مورد ارتباط متغیرهای هوش اخلاقی و سلامت روان در بین جامعه آماری غیر از معلمان پژوهش‌های صورت گرفته است، ازجمله برخی محققان (19) نیز در پژوهش خود دریافتند که هوش اخلاقی و ابعاد آن هر یک به‌طور جداگانه بر سلامت روان دانشجویان تأثیر دارد. هم‌چنین پژوهش‌گران دیگری نشان دادند افرادی که گرایش اخلاقی دارند هنگام رویارویی با آسیب، پاسخ‌های بهتری به وضعیتی که درون آن هستند، می‌دهند، موقعیت تولیدکننده فشار را بهتر اداره می‌کنند و از سلامتی بهتری برخوردارند (21- 24).

آینده و توسعه هر کشوری را می توان از سیمای کنونی نظام تعلیم و تربیت آن کشور دریافت چراکه با نگاهی گذرا به سیر تحولات چشمگیر جوامع معاصر درمی‌یابیم که نقش نظام‌های تعلیم و تربیت[15] در توسعه همه جانبه (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) کشورها بارزتر از دیگر نظام‌هاست. بنابراین پژوهش حاضر با هدف تحلیل رابطه هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن با سلامت روان معلمان انجام شده است.

با توجه به مبانی نظری یاد شده مدل مفهومی پژوهش در قالب نگاره 1 ارائه‌شده است:

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.6.0]

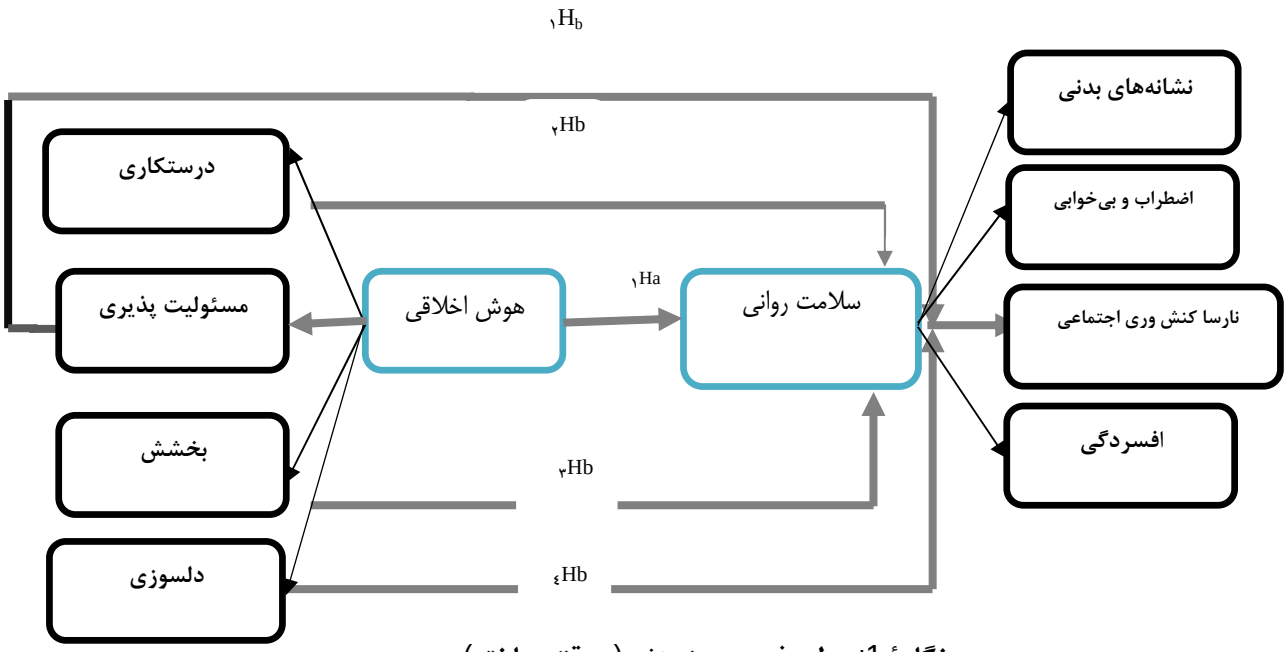

نگارهٔ 1: مدل مفهومی پژوهش(محقق ساخته)

روش

روش مورداستفاده در این پژوهش برحسب هدف از نوع کاربردی، ازنظر گردآوری داده‌ها توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل7241 از معلمان مدارس دولتی دخترانه متوسطه دوره اول شهر تهران است که با استفاده از فرمول کوکران، 547 معلم به‌عنوان حجم نمونه بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی که در آن طبقات شامل مناطق 22 گانه آموزش‌وپرورش شهر تهران است، انتخاب شد.

نتایج آمار توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه: توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب متغیر تحصیلات حاکی از آن بود که تحصیلات دبیران دارای مدرک فوق‌دیپلم و پایین‌تر 10/8 درصد، دبیران دارای مدرک لیسانس 68/4 درصد و دبیران دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر 20/8 درصد از حجم نمونه آماری بودند، برحسب متغیر سابقه خدمت دبیران دارای سابقه خدمت 1 تا 5 سال، 6 تا 10 سال، 11 تا 15 سال، 16 تا 20 سال و بالاتر از 20 سال هر کدام به ترتیب 10/8، 18/7، 19/6، 38 و 12/9 درصد از حجم نمونه آماری را به خود اختصاص داده‌اند.

برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسش‌نامه بسته پاسخ شامل پرسشنامه هوش‌اخلاقی 40 سؤالی با ابعاد درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش، دلسوزی؛ هم‌چنین پرسشنامه 28 سؤالی سلامت روان با ابعاد؛ نشانه‌های بدنی، اضطراب و بی‌خوابی، نارسا کنش وری اجتماعی و افسردگی استفاده شد (25 و 26). به‌منظور اندازه‌گیری پایایی، با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری Smart PLS ، میزان پایایی محاسبه گردید. درروش PLS، پایایی با سنجش مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی موردسنجش واقع می‌گردد، که مقدار بالای 0/7 در مورد این دو معیار نشان از پایایی قابل قبول دارد. در تحقیق حاضر نتایج مربوط به این دو معیار در جدول 1 آمده است و همان‌گونه که نمایان است، تمامی مقادیر بالاتر از 0/7 هستند که نشان از پایایی مناسب پرسشنامه‌های پژوهش دارد.

روایی پرسش‌نامه‌ها توسط دو معیار روایی همگرا و واگرا که مختص مدل‌سازی معادلات ساختاری است، بررسی شد. در قسمت روایی همگرا از معیار AVE (میانگین واریانس استخراج‌شده) استفاده شد. مقدار ملاک برای سطح قبولی AVE، 0/5 می‌باشد. یافته‌ها نشان داد، تمامی مقادیر AVE مربوط به سازه‌ها از مقدار 0/5 بیشتر بوده و این مطلب نشان از روایی همگرای قابل‌قبول پرسش‌نامه‌های پژوهش دارد.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.6.0]

جدول1. مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

متغیر	هوش اخلاقی					سلامت روانی		
ابعاد متغیر	درستکاری	مسئولیت‌پذیری	بخشش	دلسوزی	نشانه‌های بدنی	اضطراب و بی‌خوابی	نارساکنش وری اجتماعی	افسردگی
آلفای کرونباخ	0/732	0/823	0/783	0/830	0/932	0/891	0/871	0/889
پایایی ترکیبی	0/721	0/808	0/801	0/827	0/949	0/929	0/915	0/897

در فرایند اجرا، به منظور تعیین حجم نمونه از جدول مورگان (547نفر) استفاده شد؛ تعداد 530 پرسشنامه از معلمان دریافت که قابل تحلیل بودند. در این تحقیق، تجزیه و تحلیل داده ها در قالب آزمون شاپیرو- ویلک برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، آزمون فریدمن برای تعیین رتبه و اهمیت هر یک از مؤلفه‌های هوش اخلاقی، آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین متغیرها و فرضیه‌های پژوهش و مدل‌سازی معادلات ساختاری جهت بررسی برازش مدل مفهومی پژوهش به کار گرفته شده‌اند.

یافته‌ها

مطابق یافته‌های پژوهش سطح معناداری آزمون نرمال بودن داده ها برای دو متغیر هوش اخلاقی و سلامت روان بیشتر از 5 درصد می‌باشد. بدین‌رو، می‌توان داده ها را با اطمینان بالایی نرمال فرض کرد و استفاده از آزمون‌های پارامتریک را بلامانع دانست.

خروجی مربوط به آزمون فریدمن با 3 درجه آزادی و سطح معناداری p-valua=0/00 نشان از رد شدن فرض صفر دارد و با توجه به خروجی‌های به دست آمده؛ نتیجه نهایی اینکه امتیاز مؤلفه‌های هوش اخلاقی از نظر معلمان متفاوت است. بر این اساس، بخشش با میانگین رتبه (4/14)، بالاترین امتیاز و دلسوزی با میانگین رتبه (2/05) دارای کمترین امتیاز است. طبق اطلاعات واژه‌نگاره 2، اثر مستقیم هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن بر سلامت روان معلمان به لحاظ آماری در سطح یک صدم مثبت و معنادار است. مقادیر اشتراکات برای سئوالات زیر مجموعه هر کدام از متغیرها، بالای 0/5 است که نشان از

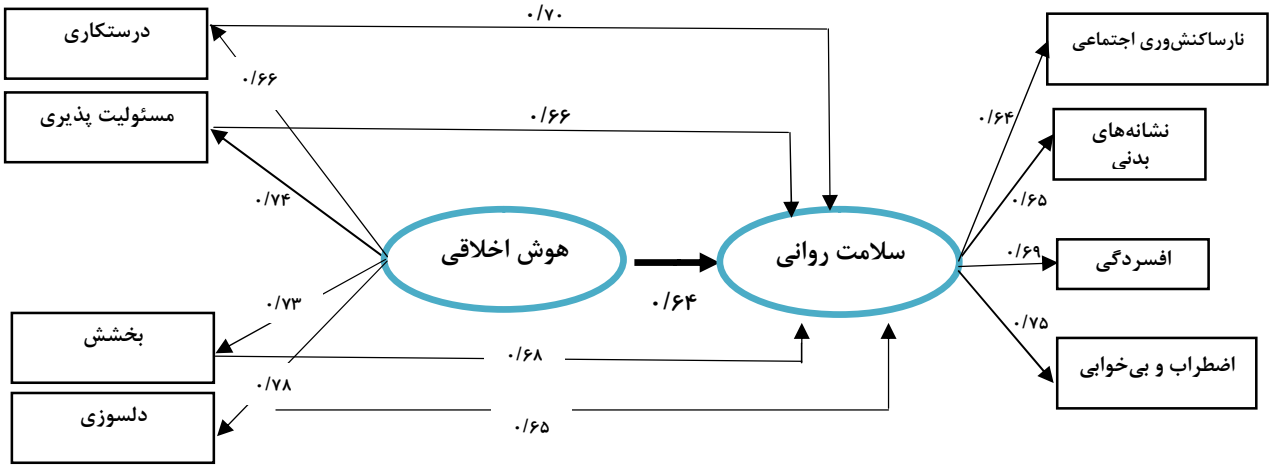

نگارهٔ 2: ضرایب استاندارد مدل

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.6.0]

همبستگی نسبتاً بالای مؤلفه‌های هوش اخلاقی برای تبیین متغیر وابسته دارند. در تبیین یافته ها می‌توان گفت ترکیبی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی بهنجار است که به استحکام سلامت روانی معلمان می‌انجامد.

در این مرحله، رابطه علت و معلولی بین هوش اخلاقی با سلامت روانی در قالب بخش مدل ساختاری سنجیده شده است. همان‌طور که در نگاره زیرنمایان است، تأثیر هوش اخلاقی و ابعاد آن بر سلامت روان معنی‌دار و مثبت است.

در نگاره 2 ضرایب استاندارد مدل قابل‌مشاهده است.

خروجی PLS اثبات‌کننده فرضیه‌های تحقیق است که در جدول 2 نمایان است. ازآنجایی‌که تمامی مقادیر t بالای 1/96 هستند، تمامی فرضیه‌ها تأیید می‌شوند.

جدول 2. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌ها	ضرایب استاندارد شده	مقدار آماره t-value	نتیجه
هوش اخلاقی← سلامت روان	0/64	13/50	قبول
درستکاری← سلامت روان	0/70	18/03	قبول
مسئولیت‌پذیری← سلامت روان	0/66	15/85	قبول
بخشش← سلامت روان	0/68	16/27	قبول
دلسوزی ← سلامت روان	0/65	13/99	قبول

بحث

هدف این پژوهش بررسی تأثیر هوش اخلاقی بر سلامت روان معلمان مدارس دخترانه دولتی شهر تهران بود. نتایج نشان داد؛ هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن شامل؛ درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش، و دلسوزی با سلامت روان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارتی هر اندازه میزان هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن افزایش یابد، میزان سلامت روان معلمان نیز افزایش خواهد یافت. این نتایج با یافته‌های مطالعات سایر محققان همخوانی دارد (1، 9 و 11). در بخش دیگری از این تحقیق نتایج نشان داد، که هرکدام از ابعاد هوش اخلاقی شامل درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش، دلسوزی بر سلامت روان معلمان مدارس دخترانه دولتی شهر تهران تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد. بنابراین معلمانی که دارای هوش اخلاقی بالاتر باشند از سلامت روان بیش‌تری برخوردار هستند. در حقیقت هوش اخلاقی به لحاظ ایجاد و تقویت توانایی‌هایی نظیر ظرفیت انعطاف‌پذیری، درجه بالایی از خودآگاهی، کاربست‌های سازگارانه، کاهش استرس، ایجاد آرامش و غیره، نقش مؤثری در تقویت و بهبود سلامت روانی معلمان دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات دیگران (19 و 20) که بیان می کنند؛ هوش اخلاقی اثر مستقیم و معناداری بر رضایت از زندگی افراد، سلامت روان و شادکامی دارد، همسو است.

در تبیین یافته های این تحقیق می‌توان گفت؛ وجود تفکرات مبتنی بر اخلاق عاملی مهم در سلامت روانی معلمان است. معلمان زن شاغل در مدارس علاوه بر فعالیت در محیط مدرسه، در زندگی شخصی و خانوادگی خود نیز مسئولیت‌های سنگین همسرداری، تربیت کودکان و ...، را به دوش دارند و به دلیل قرار گرفتن در محیط‌های شغلی استرس‌زا، ممکن است در معرض انواع آسیب‌های روانی قرار گیرند و این مسئله به نوبه خود باعث می‌شود تا معلمان با توسل به مکارم اخلاقی (درستکاری، بخشش، دلسوزی، مسئولیت‌پذیری و...،) و انعکاس این تفکرات در باورهای خود در تمامی اعمال و رفتارهای خود به‌ویژه در حرفه معلمی، درصدد جبران مشکلات یاد شده برآیند. بر این‌اساس، نتایج یادشده با نظر برخی محققان که هوش اخلاقی را بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و منابع معنوی می‌داند که کاربست آنها موجب افزایش انطباق‌پذیری و در نتیجه سلامت روان افراد می‌شود، مطابقت می‌کند (10). همچنین با نتایج برخی محققان که بیان می‌کند هوش اخلاقی یعنی هوشی که مشکلات معنایی و ارزشی ما را حل کند، هوشی که اعمال وزندگی مان را در یک سطح وسیع‌تر و قدرتمندتر معنا می‌دهد، همسو است (3 و 25 -27).

از آنجا که جامعه ایران دارای فرهنگ اصیل اسلامی – ایرانی است و ارزش‌ها و سنت‌های ما ارتباط تنگاتنگی با اخلاقیات دارند، به نظر می‌رسد رشد هوش اخلاقی و ابعاد آن اجازه می‌دهد که یک بینش جدید درباره انسان و بالا بردن اعتمادبه‌نفس به دست آید. هوش اخلاقی کمک می‌کند که فرد خود باثباتی داشته باشد و بتواند نگرانی‌ها و اضطراب‌ها را کاهش

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.6.0]

دهد و هم‌چنین می‌توان به‌طور عمیق‌تر با دیگران ارتباط برقرار کرد. چرا که به عقیده برخی محققان بنیان‌های شخصیت و ارزش‌های اخلاقی ریشه در آموزه‌های دینی و مذهبی دارد (28). یکی از محدودیت‌های این تحقیق، بررسی هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن و نادیده‌گرفتن نقش سایر متغیرهای مؤثر بر سلامت روان کارکنان است. همچنین انتخاب معلمان زن مدارس دولتی و دوره اول متوسطه شهر تهران از دیگر محدودیت‌ها است.

در پایان پیشنهاد می‌شود؛

در مورد چگونگی رشد و تعالی شاخص‌های اخلاقی و سلامت روانی معلمانی که به مدارس فرستاده می‌شوند بایسته است، قبل و بعد از استخدام توجه و تحقیق بیشتر شود. معلمان در تدریس علاوه بر فعالیت‌های حرفه‌ای، به سلامت روان خود و مسئولیت‌های اخلاقی نیز توجه نمایند.

مدیران آموزش و پرورش نسبت به تأثیر اخلاق بر سلامت روان باور داشته و به این نکته که آمادگی اخلاقی چیزی نیست که با گفتگو به‌دست آید، بلکه نیازمند تعلیم و تربیت کافی است توجه نمایند. در برنامه‌ریزی کلان آموزش و پرورش، نهادینه سازی شاخص‌های اخلاقی به منظور ایجاد سلامت روان معلمان مدنظر قرار گرفته و در منشور حقوق و تکالیف معلمان بر آمادگی اخلاقی معلمان برای تدریس توجه و تأکید شود. همچنین: پژوهش‌های دیگر همسو با این موضوع، متغیرهای تأثیرگذار دیگر را بر سلامت روان معلمان به‌عنوان مثال هوش معنوی، عزت نفس، جهت‌گیری‌های مذهبی و ...، را مدنظر قرار دهند. علاوه بر آن برای تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق بایسته است؛ در تحقیقات مرتبط حجم نمونه بزرگتر در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری

طبق گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی از هر 4 نفر 1 نفر در طی دوره زندگی خود از یک یا چند اختلال روانی رنج می‌برد، در این میان معلمان نیز از این امر مستثناء نبوده و به دلیل ماهیت کار و شرایط شغلی خاص، سلامت روانی آنها به خطر می‌افتد. به طورکلی نتایج این تحقیق بیانگر آن است که اگر معلمان به هوش اخلاقی و شاخصه‌های آن شامل درستکاری، بخشش، مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری پایبندی بیشتری داشته باشند، احساس ارزشمند بودن و ارزشمند دانستن در آنها ارتقاء خواهد یافت و همین حس خوشایند مفید بودن موجب افزایش همکاری و خلاقیت آنها نیز خواهد شد. همچنین درصورتی‌که معلمان مدارس دولتی از هوش اخلاقی بالایی برخوردار باشند، محیط کار باعث برآوردن نیازهای آنان شده و سلامتی روحی و روانی خود و دانش‌آموزان تأمین می شود. از سوی دیگر، تحقق ارزش‌های اخلاقی در مدرسه در صورتی میسر است که معلمان و کارکنان مدرسه به این ارزش ها معتقد بوده، مهارت‌های لازم را برای تبدیل آنها به هدف‌های رفتاری کسب کرده باشند. به رغم اینکه تمام مؤلفه‌های هوش اخلاقی بر سلامت روان معلمان تأثیر مثبت دارند، درستکاری نقش مهمتری در افزایش سلامت روان داشته است. این به این معنا است که بایسته است معلمان بین باورها و اعمال خود هماهنگی ایجاد نمایند.

ملاحظه‌های اخلاقی

نویسندگان این مقاله متعهد می‌شوند؛ در این پژوهش با معرفی منابع مورداستفاده اصل امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار، محترم شمرده شود. و چنانچه مطلبی از منبعی استفاده شده با ذکر منبع آمده است.

سپاسگزاری

از کلیه معلمان عزیز و آینده‌ساز کشورمان و سایر کسانی که در انجام این تحقیق ما را همراهی نمودند، قدردانی می‌شود.

واژه‌نامه

اخلاق	1- Moral
هوش اخلاقی	2- Moral Intelligence
درستکاری	3- Honesty
مسئولیت پذیری	4- Responsibility
دلسوزی	5- Compassion
بخشش	6- Forgiveness

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.6.0]

سلامت روانی	8- Mental Health
آفرینندگی	9- Creativity and Creativeness
اعتماد به نفس	10- Self-Esteem
شاخص‌ای برازش مدل	11- Model Fitting Indicators
سرمایه اجتماعی	12- Social Capital
فعالیت حرفه‌ای	13- Professional Activity
مدیران آموزشی	14- Educational Managers
تعلیم و تربیت	15- Education

Reference

1. Makarem Shirazi N.(2000). Ethics in the Qur'an. 3rdvol. Qom: School of Imam Ali Ibn Abi Talib Press. Pp. 110-111 (In Persian).
2. Givarian H. (2005). The role levels of ethic on organizational decisions. Journal of Tadbir; 16(162): 39-41. (In Persian).
3. Musavi F, Washani A, Heidari F, Mohammadi N, Soleimani F, Qayyar Zadeh M. (2016). Professional ethics of educational managers. Ethics in Science & Technology; 11(4):1-8. (In Persian).
4. Borba M. (2005). The step-by-step plan to building moral intelligence. New York: Jossey- Bass Publication.
5. Barling J, Slater F, Kelloway EK. (2000). Transformational leadership & emotional intelligence: exploratory study. Leadership & Organization Development Journal; 21(3):14-26.
6. Shapouriyan R. (1990). Introduction to psychology. 2nd ed. Tehran; Ruzbehan Publication. (In Persian).
7. Amini M. (2008). The relationship between metacognitive beliefs with mental health and academic achievement of students. Quarterly Journal of Educational Innovations; 19(6): 23-34. (In Persian).
8. Lenniek D, Kiel F. (2005). Moral intelligence; the key to enhancing business performance and leadership success. Pennsylvania: Warton School Publishing.
9. Jahanian z, Mlaslatani J. (2016). The relationship between ethical intelligence and the performance of independent auditors. Ethics in Science & Technology; 11(1). (In Persian).
10. King D. (2008). Rethinking clams of spiritual intelligence: A definition, model and measure. [PhD thesis]. Canada, Ontario: Trent University.
11. Mousavi H, Talebzadeh Novourian M, Shams Morkalani G. (2011). The relationship between spiritual intelligence and organizational citizen behavior in high school teachers in Zanjan. Quarterly Journal of Educational Psychology; 22 (7): 65-94. (In Persian).
12. Sohrabi F. (2007). Fundamental of spiritual intelligence. Journal of Mental Health; 1(1):303. (In Persian).
13. Moalemi S, Raghibi M, Salari-Dargi Z. (2010). The comparison of Spiritual intelligence and mental health in addict and non addict people. Journal of Shaheed Sadoughi University of Medical Sciences High Risk Behavior Conference; 18(3): 234-242. (In Persian).
14. Verdi M. (2000). The relationship between perfectionism and psychological hardiness with mental health and academic performance in female students of Ahvaz Pre-University Center. [Master's Thesis]. Ahvaz; Faculty of Educational and Psychological Sciences, Shahid Chamran University. (In Persian).
15. Goodarzi C, Sohrabi R. (2016). Life skills training on students' mental health. Clinical Psychology Studies; 1 (1): 15-41. (In Persian).
16. Madhu J, Purohit P. (2006). Spiritual intelligent. Journal of the Indian Academy of Applied Psychology; 32(3): 227-233.
17. McEwan W. (2004). Spirituality in nursing, what are the issues? Orthop Nurs; 23 (5):321-326.
18. Mitchell D, Bennett M, Manfrin-Ledet L. (2006). Spiritual development of nursing students: developing competence to provide spiritual care to patients at the end of life. J Nurs Educ; 45(9): 365-70.
19. Pour Jamshidi M, Beheshti Rad R. (2015). The effect of ethical intelligence and mental health on happiness of students. Positive Psychological Research; 1 (4).
20. Sohrabi R, Parvari P. (2015). Analysis of the relationship between ethical intelligence and employee self-esteem, Ethics in Science & Technology; 11(1). (In Persian).
21. Vaughan F. (2002). what is spiritual intelligence? Journal of Humanistic Psychology; 42(2):16-33.
22. Walt V, Alletta E. (2006). A descriptive and exploratory study towards a spiritual intelligent transitional model of organizational communication University of South Africa. J Nurs Res; 35(2): 273-80.
23. Wong K, Yau S. (2010). Nurses' experiences in spirituality and spiritual care in Hong Kong. Appl Nurs Res; 23(4).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.6.0]

24.Yang K. (2006). The spiritual intelligence of nurses in Taiwan. J Nurs Res; 14 (1):24-35.

25.Taghavi R. (2001). Validity and reliability of general health questionnaire (GHQ) on a group of students in Shiraz University. Journal of Psychology; 4 (6). 381-398.

26.Emmons R.(2000). Is spirituality and intelligence? Motivation, cognition and the psychology of the ultimate concern. International Journal for the Psychology of Religion; 10(1): 3-26.

27. Shapiro S, Wilk M. (1965). An analysis of variance test for normality (complete samples. Biometrika; 52(4,3): 591-611.

28.Hobby M. (2005). Mental health in a broader perspective. Journal of Science; 10(41): 25-37. (In Persian).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.6.0]